

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: مصمیم

شترق

پنجشنبه ۱۳ آذر ۱۴۰۴
۱۳ جمادی الثانی ۱۴۴۷
۴ دسامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
• شماره ۵۲۷۱
• ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۵ • اذان مغرب ۱۷:۱۱ • اذان صبح فردا ۵:۳۰ • طلوع آفتاب ۶:۵۹

خبرخوانی

زمان در مریخ سریع‌تر می‌گذرد

ایسنّا : زمان به‌طور متوسط در مریخ ۴۷۷

میلیونیم ثانیه سریع‌تر از زمین می‌گذرد. نیل اشبی و بیجونات پاتلا از مؤسسه ملی استاندارد و فناوری در ایالات متحده، اختلاف زمانی بین مریخ و زمین را با در نظر گرفتن قدرت گرانش در مریخ که پنج برابر ضعیف‌تر از زمین است، سرعت و خروج از مرکز مدار سیاره سرخ به دور خورشید و تأثیر گرانشی نه‌تنها خورشید، بلکه

نزدیک‌ترین همسایگان مریخ، زمین و ماه محاسبه کردند. پاتلا می‌گوید: فاصله مریخ از خورشید و مدار خارج از مرکز آن، تغییرات زمانی را بیشتر می‌کند. مسئله سه جسم بسیار پیچیده است. اکنون ما با چهار جسم سروکار داریم؛ خورشید، زمین، ماه و مریخ. این کار سنگین، چالش‌برانگیزتر از آن چیزی بود که در ابتدا فکر می‌کردم. نظریه نسبیت عام اینشتین شرح می‌دهد که چگونه ساعت‌ها می‌توانند بسته به اینکه در کدام چارچوب مرجع قرار دارند، سریع‌تر یا کندتر حرکت کنند؛ چارچوبی که توسط سرعت و میدان گرانشی اداره می‌شود. ما این اثر را «اتساع زمان» می‌نامیم و این همان پدیده‌ای است که می‌تواند منجر به پارادوکس دوقلوها شود که در آن یکی از دوقلوها با یک موشک با سرعتی نزدیک به سرعت نور به فضا می‌رود، درحالی‌که دوقلوی دیگر در خانه روی زمین می‌ماند.



خلیج کرگان، بزرگ‌ترین خلیج دریای خزر، در سایه پیشروی شبه‌جزیره میانکاله شکل گرفته و میان مازندران و گلستان گسترده شده است. اما بیش از ۱۵ سال است که آب در این خلیج آرام، آرام غرق‌نشین می‌کند؛ تا جایی که در بندرگز، خط ساحل نزدیک به یک کیلومتر پس رفته است. کاهش بارش‌ها، سدسازی بر ورودی‌های آبی خلیج و برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی در کشاورزی، از مهم‌ترین دلایل این تغییرند. خلیجی که هر روز کمی بیشتر عقب می‌نشیند، عکس: مصطفی شانه‌چی، ایسنا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
apararat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

نگران نگرانی آدمیان

فرشیدرستگاری

روان درمانگر

به کلاس انتقال می‌دادند. پرمایه بودند و صاحب تالیفات زیاد و به گمان من، خارج از چارچوب وظیفه و کار، عاشقانه رایگان بخشی می‌کردند؛ برای ایران، برای آینده. آنچنان که دکتر پریخ دادستان فروغ گمگشته خود را در شکوفایی و غرور دانشجویانش می‌دید؛ نه به حرف که در عمل. این استادان به تمام معنا استاد بودند، عالم، آزاده و سربلند. در کلاس درس‌شان علاوه بر روان‌شناسی، شخصیت دانشجو در معرض تلاش و کوشش‌های علمی و انسانیت استادان قرار می‌گرفت؛ ساختار روان و شخصیت، ژنتیک، محیط، اختلالات و مسیر درمان را آموزش دادند. ما نیز به قدر خوش آموختیم تا پس از آن در محیط‌های کاری به کار بنديم. پس از سال‌ها دانشجویانی را که مشتاقانه در کلاس آن استادان حضور داشتند، نیک به یاد می‌آورم؛ باهوش، پرسش‌مند و پرنرزی. در آن کلاس‌های درس مگر می‌شد که پرسشی خام و سطحی را پرسید؛ که نفس حضور در آن کلاس‌ها به تکامل چگونه پرسیدن‌ها نیز کمک کرد، پرسش‌های خوب و البته جواب‌هایی علمی. پاسخ‌ها را استادانی می‌گفتند که خود روزی در یک دانشگاه طراز اول جهان به آن پرسش‌ها روبه‌رو شده بودند، حال توسط خودشان یا دانشجویی از قاره‌ای دیگر، که جهان دهکده‌ای بیش نیست، دهکده‌ای پُر از سیاه و سفید و زرد. جواب‌ها را می‌شنیدیم و تمرین می‌کردیم و در کارهای عملی به کار می‌بستیم. استادان کنفرانس‌ها را تنظیم می‌کردند، ذهن کنفرانس‌دهنده و

دغدغه‌خوانی

هزینه‌ای که جنگل‌های ایران می‌پردازند

در سال‌های اخیر، شعار «خودکفایی در تولید کاغذ» به عنوان یکی از راهبردهای کلان صنعتی و فرهنگی کشور مطرح شده است؛ شعاری که فشار بر جنگل‌های ایران، به‌ویژه جنگل‌های هیرکانی را تشدید کرد. ابوالفضل روغنی‌کلپایگانی، رئیس سندیکای تولیدکنندگان کاغذ و مقوا، در نشست خبرگزاری تسنیم (دی ۱۴۰۲) اعلام کرد: «حمایت دولت سیزدهم موجب جهش تولید و خروج کارخانه‌های کاغذ از رکود شده است». او واردات را عامل تضعیف تولید داخل دانست و کارخانه چوب و کاغذ مازندران را «اسب زین‌شده» برای تأمین ۹۰ درصد نیاز کاغذ کتاب‌های درسی توصیف کرد. هدف اصلی دولت سیزدهم از این سیاست، کاهش وابستگی به واردات و تأمین نیاز بزرگ‌ترین مصرف‌کننده کاغذ کشور، یعنی وزارت آموزش و پرورش بود. مطابق گزارش تسنیم، با فعال‌شدن کارخانه‌هایی مانند چوب و کاغذ مازندران، کاغذ پارس، دیبای شوشتر و زاگرس فارس، تلاش شد بخش مهمی از کاغذ تحریر در داخل تولید شود. اما این سیاست پیامدی بسیار جدی داشت؛ کنارگذاشتن عملی قانون «طرح تنفس جنگل»، قانونی که از سال ۱۳۹۶ آغاز شده و هرگونه بهره‌برداری تجاری از جنگل‌های طبیعی را ممنوع کرده بود. مدیرعامل شرکت چوب و کاغذ مازندران در همان نشست گفت: «اگرچه تولید کاغذ تحریر سوده نیست،

ولی برای استقلال کشور باید هزینه داد؛ این هزینه‌ای

است که ما به عنوان تولیدکننده برای استقلال کشور می‌دهیم». با این حال، این پرسش مطرح است که چه بخشی از این هزینه را درختان هیرکانی می‌پردازند؟ آیا قرار است با قطع این درختان چندهزارساله کاغذ تأمین شود؟ جنگل‌های هیرکانی روزها در آتش بی‌تدبیری سوختند. هرچند طبق اخبار منتشرشده کارخانه‌های تولید کاغذ در دولت سیزدهم در مسیر برداشت از جنگل‌ها قرار داشتند. تخصیص ارز ارزان، انحراف واردکنندگان از واردات کاغذ و نیاز آموزش و پرورش به تأمین کاغذ کتاب‌های درسی بود. این مسائل راه‌حل‌های پایدارتر و کم‌هزینه‌تری هم داشتند که می‌توانستند از نابودی منابع طبیعی جلوگیری کنند.

ولی برای استقلال کشور باید هزینه داد؛ این هزینه‌ای است که ما به عنوان تولیدکننده برای استقلال کشور می‌دهیم». با این حال، این پرسش مطرح است که چه بخشی از این هزینه را درختان هیرکانی می‌پردازند؟ آیا قرار است با قطع این درختان چندهزارساله کاغذ تأمین شود؟ جنگل‌های هیرکانی روزها در آتش بی‌تدبیری سوختند. هرچند طبق اخبار منتشرشده کارخانه‌های تولید کاغذ در دولت سیزدهم در مسیر برداشت از جنگل‌ها قرار داشتند. تخصیص ارز ارزان، انحراف واردکنندگان از واردات کاغذ و نیاز آموزش و پرورش به تأمین کاغذ کتاب‌های درسی بود. این مسائل راه‌حل‌های پایدارتر و کم‌هزینه‌تری هم داشتند که می‌توانستند از نابودی منابع طبیعی جلوگیری کنند.

ضرورت تغییر رویکرد آموزش و پرورش در چاپ کتاب‌های درسی

مصرف سالانه کاغذ برای کتاب‌های درسی حدود ۵۰

هزار تن است و وزارتخانه آموزش و پرورش بزرگ‌ترین

مصرف‌کننده کاغذ کشور به شمار می‌آید. هرگونه تغییر

طنزخوانی

آینده بدون کار چه شکلی است؟



آردین سیارسریع

خبر خوش امروز برای بیکارها این است که ایلان ماسک کرده تا ۲۰ سال آینده همه بیکار می‌شوند. در واقع هوش مصنوعی می‌آید می‌زند روی شانه مسئولان ما و می‌گوید مسای فلاور بروز (داداشای کلم)؛ تا اینجا زحمت کشیدید، در حد وسع و توان خودتان، با آن جهد خالصانه خاصی که دارید توانستید ملست را بیکار کنید، از اینجا به بعدش را بسپارید به من! البته یک تفاوت کوچکی که دارد این است که الان دلیلی برای کارکردن هست و کار نیست.

در آن ۲۰ سال آینده‌ای که ایلان ماسک وعده می‌دهد، کار نیست و دلیلی هم برای کارکردن نیست، طبق پیش‌بینی‌ها، کارکردن اختیاری می‌شود. یک عده از خداخواسته می‌نشینند توی خانه و با حرکت دادن مردمک چشم‌شان کلیپ‌هایی که توی آنها می‌گویند بیا کره بادام‌زمینی رو از من ربات بخر را می‌زنند جلو، می‌رود کلیپ بعدی که یک سری ربات گرم‌مزاج دارند ارده و شیر و خرما و عسل را توی دیگ با هم قاطی می‌کنند. یک عده هم که به‌اصطلاح ورکوهولیک‌اند و با کارشان ازدواج کرده‌اند، طبق عادت، شش صبح بیدار می‌شوند و قهوه‌شان را می‌خورند و می‌روند سر کار. ربات‌ها هم ایستگاه طرف را می‌گیرند و می‌گویند آفرین باقرآزاده- تو خیلی مفید. تو-ا که هر روز نمی‌اومدی سرکار- برای ما چارت بگشی کار مملکت رو زمین می‌موند. بعد می‌روند یک گوشه قافاقاه به باقرآزاده می‌خندند که بشتر ساده‌لوح ندند-خور باور کرده که واقعا در نظم نوین جهانی اهمیتی دارد.

البته این-رؤیایی که الان ما داریم، یعنی دنیایی که نیاز به کار ما ندارد و مثل این سریال جدید وینس کیلیگان (پلایبوس) همه چیز در دسترس است و همه در خدمت ما هستند، یکی، دو سال اولش جذاب است، هرچند ما شانس نداریم.

از بین این‌همه انواع هوش مصنوعی، آن گونه جهش‌یافته اختلاس‌گر مودی‌اش گیر ما می‌افتد و به خودمان که می‌آییم، می‌بینیم سه‌شیفته داریم کار می‌کنیم که این-هوش‌مصنوعی‌ها بتوانند بروند کانادا، ولی به هر حال اگر فرض بگیریم که این‌طوری نمی‌شود، حدس من این است که یکی، دو سال اول بنا را می‌گذاریم بر دستور دادن که هوی پس! ربات کرم!

بیا ماشینو ببر بنزین بزن (حالا هرچی ربات بدبخت می‌گوید آقا دیکه بنزین وجود نداره و برقی شده ما زیر بار نمی‌روسیم. ترس تاریخی داریم که برق برود). با اینکه می‌دونم صف دیکه وجود نداره، به کاری کن صف به وجود بیاد خودت وایسا تو صف مرغ... سر راه هم به کاری کن اکس من به اشتباهش پی بیره بیفته به پای من... خب بعدش اینها همه بی‌مزه می‌شوند. کم‌کم شروع می‌کنیم به خاطره‌بازی و نوستالژی؛ یادش بخیر قدیما، آفتابه و موتوربرق داشتیم... کجا رفت اون تورم نقطه به نقطه؟

... کجا رفت اون کردالی وی‌پی‌ان که می‌چرخید؟ ... اینم شد زندگی که به چیپیست می‌ذاری رو شقیقهات میری سواحل مایورکا؟ البته این حس مختص ما نیست و احتمالا بشریت به صورت کلی این سؤال برایش پیش می‌آید که اساسا چه نیازی به ما هست؟

با این شرایط من انسان به چه دردی می‌خورم؟ چرا هرجا می‌رویم برای کار، الکی می‌گویند تماس می‌گیریم با شما؟ این ربات‌ها چرا همه‌اش به ما حس ناکافی بودن می‌دهند؟ اینجا آن سؤال بنیادین شکسپیر مطرح می‌شود: بودن یا نبودن؟ مسئله این است، یک راهش این است که از الان به فکر آن روز باشیم. یک راه هم این است که مثل پدر من که وقتی این خبر را بهش گفتم، گفت ایلان ماسک زر می‌زند، کلا قضیه را بگیریم به لوزالمعده‌مان و از مسیر لذت ببریم (حالا انکار چه لذتی هم دارد!).